

بررسی تغییرات اجتماعی در بین دو نسل دهه ۶۰ و ۷۰

محمد ترابی^۱ و سید باقر حسینی نژاد ماه خاتونی^۲

^۱استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

^۲دانشجوی دکتری گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

چکیده

شکاف نسلی اگرچه امروزه بیشتر نمایان است، پدیده‌ای کهن و جزئی از زندگی بشر بوده است. از زمانی که انسان‌ها در نوع تعاملات خود، شیوه‌های گوناگونی برگرفتند و ارتباطات اجتماعی به صورت گسترده برقرار شد، تفاوت در درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها، موجب جامعه‌پذیری ناهمسان گشت و شکاف نسلی نیز پدید آمد. تفاوت در نظام ارزش‌ها که به شکاف نسلی بین اعضای خانواده می‌انجامد، دیدگاه‌های گوناگونی به خود اختصاص داده است. می‌توان گفت تمایزهای بین‌نسلی، پدیده‌ای متداول است که همواره در هر جامعه‌ای بین نسل‌های مختلف وجود دارد و تا اندازه‌ای دارای تعارض و کشمکش نیز هست. در مجموع، شکاف نسلی از تمایزهای قطبی و شدید بین‌نسلی حکایت دارد که صورت بیرونی آن، به شکل تعارض‌ها و کشمکش‌های نسلی بروز می‌کند. در بررسی تغییرات اجتماعی در بین دو نسل دهه ۶۰ و ۷۰ به دلیل اثرگذاری این تفاوت و شکاف نسلی بر جامعه‌پذیری افراد، سهم اساسی دارند. در این مقاله، تغییرات اجتماعی در بین دو نسل دهه ۶۰ و ۷۰ بررسی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: شکاف نسلی، ارزش، هنجار، خانواده، ارزش.

مقدمه

ارتباطات اجتماعی هر جامعه، برگرفته از ارزش‌های حاکم بر جامعه و نحوه تعامل و جامعه‌پذیری افراد آن جامعه است. در میان انواع ارتباطات اجتماعی، «ارتباط بین‌نسلی»، یعنی تعامل افراد یک نسل که در یک پدیده جمعیتی مثل سال تولد، ازدواج و... مشترکند، با افرادی از نسل جدید، ارتباطی مهم و حیاتی است؛ زیرا بر اساس فرآیند جامعه‌پذیری، در تعامل اجتماعی باید به جهت‌دهی ارتباط نسلی و در مقابل آن، به شکاف نسلی توجه کرد. در این میان، به دلیل فاصله اجتماعی و کاهش شدید تعامل بین‌فردی و بین‌نسلی در جوامع امروز، نقش خانواده در جامعه‌پذیری بسیار مهم است.

ظرفیت اجتماعی یادگیری در خانواده در انتقال ارزش‌ها از این نهاد به افراد، خانواده را به بستر همگرایی اجتماعی تبدیل می‌کند که نسل‌های مختلف را در خود جای می‌دهد. در عین حال، تغییرات شکلی و کارکردی خانواده، همچون تبدیل خانواده از گسترده به هسته‌ای؛ یا کاهش کارکردهای آموزشی - تربیتی خانواده و واگذاری برخی نقش‌های آن به دیگر نهادها، موجب تضعیف این نقش شده است.

شکاف ارزشی درون خانواده و بین نسل‌ها، زمانی اتفاق می‌افتد که انتقال فرهنگی با مشکل روبه‌رو شود. از آنجا که انتقال فرهنگی، بین انتقال کامل، یعنی بدون هیچ تفاوتی میان والدین و فرزندان، و انتقال کاملاً ناقص، یعنی بدون هیچ‌گونه تشابه بین این دو نسل، قرار دارد، اگر به هر یک از این دو شکل صورت گیرد، نوعی آسیب برای جوامع به شمار می‌آید؛ چرا که انتقال کامل، اجازه نوآوری و تغییر و واکنش به موقعیت‌های جدید را به تازه‌واردان نمی‌دهد و در این صورت، نسلی نو به مفهوم واقعی جامعه‌شناختی پدید نمی‌آید که دارای تفاوت‌ها و نگرش‌های خاص خود باشند. انتقال ناقص هم امکان اجازه کنش هماهنگی بین نسل‌ها را نمی‌دهد. (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۹)

طرح مسئله

شکاف، تضاد و گسست نسلی را نتیجه تحولات سریع اجتماعی دانسته‌اند. که از این میان گسترش آموزه‌های مدرن و تغییرات شتابان جوامع در حال توسعه (از جمله ایران) این جوامع را مستعد بروز پدیده‌هایی همچون شکاف بین نسلی می‌کند. در ادبیات اجتماعی و تاریخی مربوط به ایران، از جامعه‌ی ایران به عنوان جامعه‌ای که در گذار تاریخی خود مواجه با حوادث و مشکلات اجتماعی، سیاسی اقتصادی و فرهنگی است تعبیر شده است. کودتا، انقلاب، شورش، جنبش‌های اجتماعی، اعتصاب، مهاجرت داخلی و خارجی، بحران‌های اجتماعی، تعارض در حوزه‌ی قدرت و تحولات فرهنگی هر کدام در مراحل از تاریخ تحولات ایران ثبت شده است. (هیوز، ۱۳۶۹، ص ۱۴)

بررسی ماهیت پدیده‌ی نسلی و سپس نتایج و مشکلات نسل‌ها در دوره‌ی جدید به بسط و غنای حوزه‌ی جدیدی در جامعه‌شناسی تحت عنوان «جامعه‌شناسی نسلی» انجامیده است. محقق پژوهش خودش را در این زمینه برخی از پرسش‌هایی را که زمینه‌ساز شکل‌گیری این حوزه شده‌اند اینگونه شرح می‌دهند:

۱. آیا نسل‌ها می‌توانند توضیح‌دهنده‌ی سطوحی از تغییرات فرهنگی و اجتماعی باشند؟
۲. رابطه‌ی بین نسل‌ها چه رابطه‌ای است؟ آیا این رابطه رابطه‌ی توافقی است یا تراحمی است؟ (آزاد ارمکی، غفاری، ۱۳۸۳، ص ۴)

اما آن چه می‌تواند مبین طرح و اهمیت مباحث نسلی در ایران شود همان طور که پیش از این اشاره شد قرار گرفتن ایران در مرحله‌ی گذار تاریخی اجتماعی خود است. جامعه‌ای که در مرحله‌ی گذار قرار می‌گیرد استعداد و آمادگی بیشتری را برای تولید شکاف‌های اجتماعی از جمله تفاوت و شکاف نسلی دارد. اگر می‌خواهیم در باره نسل صحبت کنیم باید بگوییم که نسل در جامعه ایران به طور قابل توجهی چشمگیر شده است. چرا که می‌توان در جامعه ایران تفاوت‌های نسلی دید. (آزاد ارمکی، غفاری، ۱۳۸۳، ص ۱۰) هرچند برخی می‌گویند که تعارض نسلی در ایران وجود دارد ولی این تحقیق با این سوال رو برو شده است که آیا تضاد نسلی، بین نسل‌ها وجود دارد یا خیر؟

در اینجا برای روشنتر شدن این سوال و رسیدن به جواب مشخص، به تعریف نسل از منظر علمای اجتماعی و انواع مفهوم نسلی (شکاف نسلی، تضاد نسلی و غیره...) پرداخته شده است.

مبانی نظری

شکاف نسلی و ابعاد آن

تمایزات بین‌نسلی، پدیده‌ای متداول است که بین نسل‌های مختلف وجود دارد و در مواقعی، دارای اندکی تعارض و کشمکش است، اما شکاف بین‌نسلی از تمایزهای قطبی و شدید بین‌نسلی حکایت دارد که صورت بیرونی آن می‌تواند شکل تعارض و کشمکش نسلی پیدا کند. شکاف نسلی، یکی از عمده‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در تحولات اجتماعی و فرهنگی دوران معاصر است؛ پدیده‌ای که خود در جریان تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی شکل گرفته است. این پدیده، بیشتر در جوامع در حال گذار و در جوامعی اتفاق می‌افتد که رشد سریع فن آوری داشته‌اند.

رسانه‌های جمعی، به ویژه رسانه‌های دیداری و شنیداری، به دلیل کارکردهای متنوع خود و ایجاد تغییرات پیوسته، به تدریج جای ارتباط بین‌فردی از نوع چهره به چهره را گرفته‌اند و فضای انفرادی را به جای فضای اجتماعی در خانواده حاکم می‌کنند. در نتیجه، افراد خانواده به جای گفت‌وگوی صمیمی با یکدیگر، با ابزارهای الکترونیکی ارتباط برقرار می‌کنند، ارتباطی فاقد بار عاطفی و احساسی.

یکی از عوامل مهم کاهش شکاف نسلی، پیوند اعضای خانواده و وجود زمینه ارتباطات صحیح بین‌فردی است. این ارتباط زمانی به درستی برقرار می‌شود که اعضای خانواده با نوعی تفاهم و درک متقابل با یکدیگر تعامل داشته باشند. یکی از عوامل ارتقادهنده پیوند عاطفی و کاهش‌دهنده شکاف نسلی، گفت‌وگوست؛ یعنی برقراری ارتباط و تعامل کلامی با یکدیگر.

در فضای ارتباطاتی، به ویژه ارتباطات بین‌فردی، گفت‌وگو صرفاً یک رفتار عادی نیست، بلکه الگویی است که فضای عاطفی و هیجانی حاکم بر مناسبات افراد را شکل می‌دهد. گفت‌وگویی که واجد منظور ارتباطی و تعامل است، دارای دو مؤلفه و به عبارتی دارای دو مهارت است: مهارت گوش دادن و مهارت هم‌دلی. با بهره‌گیری مناسب از این دو مهارت می‌توان جریان ارتباطی گفت‌وگو را در جهت تفاهم و درک متقابل، به راه انداخت.

نهاد خانواده، اساسی‌ترین و نخستین نهاد اجتماعی است. «این نهاد، نظامی است که روابط جنسی و تجدید نسل انسانی را در جامعه سامان می‌دهد. متداول‌ترین صورت آن اجتماعی است از زوج زن و شوهر که با یا بدون فرزندشان، یک واحد خانوار را تشکیل می‌دهند. نهادهای فرعی وابسته به آن عبارتند از: نامزدی، ازدواج (تک‌همسری، چندهمسری)، روابط خویشاوندی نسبی یا سببی، صلبی یا رحمی». (نیک‌گهر، ۱۳۸۳: ۱۸۶)

کارکرد هماهنگ نهادهای اصلی جامعه و وابستگی متقابل آنها، برای دوام و بقای فرهنگ و جامعه امری حیاتی است. هیچ نهادی خودبسند نیست و نمی‌تواند به تنهایی به حیات خویش ادامه دهد. هر نهادی به درجات متفاوت بر نهادهای دیگر اثر می‌گذارد و به‌طور متقابل از همه آنها اثر می‌پذیرد. (همان: ۱۸۷)

از این‌رو، در بررسی شکاف نسلی باید هم به نهاد خانواده و هم به نهاد رسانه، به عنوان دو نهاد اثرگذار توجه کرد. نقش خانواده در این زمینه دوگانه بیان می‌شود: ۱. نقش غیرمستقیم خانواده در آموزش جامعه‌پذیری یا اثرگذاری آن؛ ۲. نقش مستقیم خانواده در شکاف یا وابستگی نسلی.

برای درک بهتر اثرگذاری خانواده، به کارکردهای آن اشاره می‌شود: ۱. نظام بخشیدن به رفتارهای جنسی و تولید مثل؛ ۲. جای‌گزین کردن اعضا؛ ۳. مراقبت و نگهداری از کودکان، معلولان و سالمندان؛ ۴. اجتماعی کردن کودک (جامعه‌پذیری)؛ ۵. حمایت عاطفی؛ ۶. تثبیت جایگاه اجتماعی؛ ۷. فراهم کردن امنیت اقتصادی. با دقت در تک‌تک وظایف و مسئولیت‌ها یا کارکردهای خانواده، درمی‌یابیم که رسانه‌ها یا اثر مستقیم یا غیرمستقیم بر فعالیت‌های خانواده، خواهند داشت. (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۳۱۵)

برخی نظریه‌ها درباره شکافی نسلی

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، موضوع شکاف نسلی تا پیش از پیدایش جامعه صنعتی، مسئله‌ای در خور توجه نبوده و حتی پیش از قرن بیستم، امری آشکار که مسئله‌ای اجتماعی تلقی بشود، نبوده است. در گذشته علل بسیاری، مانند اختلاف بسیار ناچیز در شرایط، مراتب و موقعیت‌های اجتماعی گروه‌های سنی مختلف، رعایت اصل احترام به بزرگ‌ترها، انتقال طبیعی

فرهنگ و رسوم جوامع به نسل‌های پسین بدون هرگونه جهش، وجود الگوهای واحد اندیشه و تفکر و رفتار در نسل‌ها، سبب می‌شد تغییرات بسیار کند و بطئی باشد. (شفرز، ۱۳۸۳: ۴۰)

پس از جنگ جهانی دوم و در پی روند نوسازی جهانی در عرصه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، کشورهای در حال توسعه به شدت رشد کردند و در این راستا، تحولات اجتماعی بسیاری، نظیر جنبش‌ها و انقلاب‌های اجتماعی را سپری کردند. در پس این تحولات ساختاری آشکار و ملموس، تحولات ذهنی و ناملموس، در لایه‌های زیرین اجتماع صورت گرفت که نتیجه آن، تغییر موقعیت اجتماعی نسل‌ها، به ویژه نسل جوان بود.

درگیری تقابل شرایط اجتماعی مدرن، در پی رشدیافتگی پس از جنگ جهانی دوم، با شرایط ما قبل مدرن، به همراه افزایش آگاهی مردم از وضعیت خود و جوامع دیگر و توانایی بالقوه در نسل‌های جدید، همگی سبب شد نگرش‌های جدیدی در نسل جوان پدید آید. در نتیجه، شکاف نسلی به عنوان پدیده مهم خودنمایی کرد.

دیگر نمی‌توان تفاوت‌های طبیعی بین نسل‌های قدیم و جدید را امری عادی تلقی کرد. این برداشت که نسل امروزی بسیار عمیق‌تر از نسل‌های گذشته می‌فهمد و در پی تغییر است و توانایی بیشتری دارد، یک واقعیت آشکار است. بنابراین، می‌توان گفت که مسائل نسلی، مسئله مشترک جهان امروز، به ویژه جوامعی است که شتاب و سرعت تغییرات اجتماعی در آنها بیشتر است. بر این اساس، به چند نظریه مهم اشاره می‌شود.

مانهایم معتقد است که نسل، یک موجودیت اجتماعی است، نه یک ضرورت بیولوژیکی. پیدایش نسل اجتماعی، با تغییر اجتماعی و سرعت آن مرتبط است و در وضعیتی که تغییرات، کند و آهسته و کمیاب باشد، یک نسل مجزا و تازه ظاهر نمی‌شود، بلکه فقط هنگامی که حوادثی زیاد و سریع رخ دهند، به طوری که یک گروه نسلی بر حسب آگاهی تاریخی - اجتماعی خود متمایز شوند، می‌توان از یک نسل جدید صحبت کرد. (اسکات و شرم، ۱۹۹۵: ۳۵۹)

از نظر مانهایم، نسل، محور و محمل انتقال و تداوم جهت‌گیری‌های فکری و فرهنگی جدیدی است که در بستر اجتماعی و تاریخی ویژه‌ای که هر نسل معین در آن رشد کرده، ریشه دارد. این جهت‌گیری به صورت اهداف، نیت‌ها و راه‌حل‌های نو برای مشکلات حیاتی جامعه، به صورت تکامل و ظهور یک «سبک نسلی» ظاهر می‌شود. (رمپل، ۱۹۶۵: ۵۵ - ۵۶) مانهایم افرادی را که در نسل‌ها بر اساس تجربه‌های مشترک دارای دیدگاه مشترک هستند، از افرادی که این وضعیت را ندارند، متمایز و از آنها به عنوان «واحد‌های نسلی» یاد می‌کند. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۲۸)

در واقع مانهایم، نسل را یکی از شکل‌های مهم زندگی جمعی و یکی از واحدها و گروه‌های اجتماعی می‌داند که اهمیتی در حدود طبقه و قشر اجتماعی دارد. وی معتقد است که ارزش‌ها فرآورده‌های ساختگی نیستند، بلکه ارزش‌ها با پیدایش نسل‌های جدید در داخل جریان‌های زندگی بشر که به صورت تدریجی پدید می‌آیند، ظاهر می‌شوند و هنگامی تولید می‌شوند که واقعیت‌های اجتماعی در حال رشد، مسائل جدیدی را به جریان‌های فکری عرضه می‌کنند، تولید می‌شوند. (رمپل، ۱۹۶۵: ۵۵) به نظر مانهایم، ارزش‌های جدید، فرآورده حتمی دو جریان تغییر اجتماعی کلان هستند: ۱. جریان ظهور نسل‌های جدید؛ ۲. جریان توسعه و تحول اجتماعی که مسائل پیش‌بینی نشده و جدید را در مقابل جریان‌های فکری حاکم قرار می‌دهد و در واقع، پارادایم جدیدی برای تحلیل می‌طلبد. از نظر مانهایم ارزش‌ها و تفکرات، متغیری وابسته و در عین حال مستقل به شمار می‌آیند. آنها از یک سو، وابسته به اوضاع اجتماعی و تاریخی دوره‌های متفاوت هستند

از سوی دیگر، به عنوان متغیر مستقل، امکان نوسازی و ارزش‌گذاری مجدد به رویه‌های فکر و عمل موجود، و تولید سبک‌های جدیدتر زندگی را به صورت تدریجی و ترکیبی فراهم می‌سازند. به این ترتیب، راه تغییر اجتماعی را هموار می‌کنند. مانهایم معتقد است که سنتز ارزش‌های قدیم و جدید در هر دوره، موجب تعارض‌ها جدی نسلی می‌شود، به طوری که نظام آموزشی جدیدی نیاز است تا نسل‌های گذشته را با تغییرات فرهنگی هم‌نوا سازد. (همان)

بورديو، مسئله نسل‌ها، روابط نسلی و تضاد و تقابل نسل‌های مختلف را، از دیدگاه کلان و در چارچوب نابرابری و تضاد اجتماعی تحلیل می‌کند و به بررسی روابط و تعارض‌های نسلی در زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی و فکری - فرهنگی می‌پردازد.

به اعتقاد بوردیو، در دوران معاصر، شکاف نسل‌ها، شکاف افقی است و در میدان‌های مختلف اجتماعی، اعم از نهادی یا غیرنهادی، رویارویی جوانان و افراد مسن، در عمل از تعارض بین افرادی با جایگاه‌های گوناگون قدرت و ثروت حکایت دارد. به نظر او تقسیم‌بندی براساس سن و به صورت پیر و جوان، تقسیمی خودسرانه است و در تمام جوامع، این نوع تقسیم‌بندی نسل‌ها تنش‌زا می‌باشد. (بوردیو، ۱۹۸۴: ۱۴۳)

وی معتقد است که تقسیم بر اساس قدرت و طبقه‌بندی براساس سن، همانند جنسیت و طبقه، در واقع در پی ایجاد نظمی است که در آن، هر کس سر جای خودش قرار گیرد. بنابراین، رابطه میان سن اجتماعی و سن بیولوژیک، رابطه‌ای پیچیده است. به نظر بوردیو، سن یک واقعیت بیولوژیکی است که از نظر اجتماعی دستکاری، و مقاصد خاص از آن استفاده یا سوءاستفاده می‌شود. (همان: ۱۴۴ - ۱۴۵) با مقایسه کلی دو دیدگاه مانهایم و بوردیو، می‌توان گفت که رویکرد مانهایمی، تحلیلی تاریخی و ذهنی از پدیده شکاف نسلی به دست می‌دهد که تأکید آن بر تجارب ویژه، آگاهی و ذهنیت نسلی به عنوان اسباب اصلی تضاد پایدار در افکار و ارزش‌ها در سطح نسل‌هاست.

رهیافت دوم (بوردیو)، با تحلیلی ساختاری و عینی، در ریشه‌یابی شکاف نسلی بر توزیع امکانات، منابع و موقعیت نابرابر نسل‌های مختلف از نظر برخورداری یا محرومیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تأکید دارد. این‌گله‌ها در باره دگرگونی ارزشی، پیش‌بینی می‌کند که جای‌گزینی جمعیت نسل جدید، به تدریج به جابه‌جایی بلندمدت ارزش‌های مادی با ارزش‌های فرامادی خواهد انجامید.

این نظریه نه تنها پیش‌بینی جهت دگرگونی در آینده، بلکه دامنه آن را نیز امکان‌پذیر می‌کند؛ با توجه به این امر که جای‌گزینی نسلی تنها عامل درگیر نیست؛ بلکه مؤلفه‌ای مهم در دگرگونی ارزشی به شمار می‌رود. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۲۵) گیدنز، نسل‌ها را مثل همه سنت‌های اجتماعی که در طول زمان به وجود می‌آیند، در نظر می‌گیرد. از نظر او تمایز بین نسل‌ها در واقع، نوعی به شمار آوردن افراد در جامعه‌ای ماقبل مدرن است؛ یعنی هر نسلی در واقع نوعی به شمار آوردن تیره‌ای از آدمیان است که زندگی فردی را در مقطعی از انتقال‌های گروهی جای می‌دهد. با این حال، در عصر جدید، مفهوم نسل رفته‌رفته فقط در برابر پس‌زمینه‌ای از زمان استاندارد شده معنا می‌یابد. (همان: ۳۱)

به نظر می‌رسد از دیدگاه گیدنز، تلقی از نسل در جوامع سنتی و مدرن نیز متفاوت است. در جوامع سنتی، هر نسل به میزان زیادی شیوه‌های زندگی گذشتگان خود را از نو کشف می‌کند و با بازسازی و نوسازی آن، به شکل و شیوه‌ای جدید به آن عمل می‌کند، اما در عصر جدید این کار مفهوم خود را از دست داده است. (گیدنز، ۱۳۷۹: ۲۰۷)

در نظریه گیدنز، درباره نسل، سه عنصر اساسی لحاظ شده است: اول اینکه او به عنصر زمان توجه خاصی دارد: دوم اینکه او جامعه را بسیار فرآر می‌داند، به طوری که سنت‌های جامعه اجازه در پیش گرفتن سنت‌های گذشته را نمی‌دهد؛ سوم اینکه او همواره بر مرخص شدن از گذشته برای انتخاب شیوه‌های فعالانه‌تر و مدرن‌تر تأکید دارد. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۳۲)

وایت معتقد است حوادث بسیار مهم و تکان‌دهنده در هر جامعه در هر برهه‌ای از زمان، نسل‌های تاریخی خاصی را شکل می‌دهد؛ فرصت‌هایی طلایی که در آن، جمعی تحت تأثیر مشترک یک حادثه قرار می‌گیرند و همه تمرکزها و نگاه‌ها را متوجه خود می‌کند. این افراد مشترک، یک حافظه مشترک تاریخی درباره سرنوشت خود در جریان آن حادثه یا واقعه دارند. این مجموعه مشترک، یادآور یک نسل است.

وایت در کتاب خارج از دهه شصت بیان می‌دارد که نسل به واسطه بعضی وقوع برخی حوادث، ساخته می‌شود؛ مانند: واقعه فراموش‌نشده‌ی مثل جنگ شهری، مصیبت طبیعی یا خودکشی رهبر سیاسی یا هر حادثه سیاسی؛ عوامل سیاسی یا فرهنگی مهم که بیانگر واقعه فراموش‌نشده‌ی است؛ تغییر ناگهانی در ساختار جمعیت که زمینه‌ساز توزیع جدید منابع جدید است؛ شکل‌گیری فاصله طبقاتی جدید. (همان: ۱۳۸۳: ۳۶ - ۴)

تغییر کارکردها در خانواده و شکاف نسلی

بررسی‌ها نشان می‌دهد در برخی کارکردهای خانواده تغییرات اساسی رخ داده، یا برخی کارکردها به نهادهای دیگر انتقال یافته است. «هم‌زمان با صنعتی شدن روزافزون جوامع در طی دو قرن اخیر، تغییرات جهانی عمده‌ای در الگوهای خانواده به وقوع

پیوست. تغییراتی که موجب دگرگونی عمیق در تعهد و علاقه مردم، نسبت به هم گردیده است. امروزه مردم توجه کمتری به مسئولیت خود در قبال خانواده گسترده و توجه بیشتری به نیازهای خود و اعضای خانواده (خانواده هسته‌ای) نشان می‌دهند. (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۳۲) به‌طور خلاصه می‌توان گفت خانواده هسته‌ای به این دلایل، با ویژگی‌های نوین زندگی همراه‌تر است: ۱. تحرک جغرافیایی؛ ۲. تحرک اجتماعی؛ ۳. کاهش کارکردهای خانواده؛ ۴. مزایای خانواده کوچک (به لحاظ تعداد افراد)؛ ۵. فردگرایی. (همان: ۳۲۱) تمامی این عوامل، هم بر نهاد خانواده و هم بر ارتباط و تعامل یا شکاف نسلی مؤثرند. فاصله جغرافیایی میان افراد و درون یک شبکه خانوادگی گسترده، تحرکات شغلی و اجتماعی و تغییرات پایگاه و نقش اجتماعی، تغییرات کارکردی خانواده و تبادل این کارکردها با نهادهای دیگر، تأکید بر زندگی آسان و چابک و پردرآمد فردی یا هسته‌ای، و فردگرایی برخاسته از این نوع زندگی، از دلایل اثرگذاری تغییر کارکرد خانواده بر شکاف نسلی است. در اینجا نقش رسانه‌های جمعی برای جلوگیری از تغییر کارکردهای خانواده از سویی، و تلاش برای آشنایی مسئولان و مردم با مسائل مربوط به تغییر کارکردها و به دنبال آن تشدید شکاف نسلی، از سوی دیگر، دارای اهمیت است.

شکاف نسلی از دیدگاه اسلام

با توجه به جامعیت دین اسلام و اینکه اسلام تنوع میان انسان‌ها را تأیید و آن را در راستای اراده الهی قلمداد کرده است، نمی‌توان نظر اسلام را نافی پدیده شکاف نسلی دانست. خداوند درباره تنوعی که از ابعاد مختلف میان انسان‌ها وجود دارد، فرموده است: «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا؛ و به تحقیق، خداوند شما را به حالات و هیئت‌های مختلفی آفرید». (نوح: ۱۴)

علامه طبرسی این آیه را نشانه وجود تفاوت و تنوع بین انسان‌ها در ابعاد و سطوح مختلف، ارزیابی کرده است. (طبرسی، ۱۳۸۰: ۲۷۰) روایات اسلامی درباره تربیت اولاد منطبق با آداب روزگار خودشان نیز ناظر بر پذیرش شکاف نسلی در برخی سطوح است. از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرموده است: «لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ؛ فرزندان را محدود به آداب خود نکنید؛ زیرا ایشان برای روزگاری غیر از روزگار شما آفریده شده‌اند». (تنکابنی، ۱۳۷۷: ۱۱۰)

در این روایت، از محدود شدن تربیت فرزندان به آدابی که والدین، خود بر آن اساس تربیت شده‌اند، نهی گردیده و درباره علت آن به مقتضیات زمانی اشاره شده است. بر همین اساس می‌توان نتیجه گرفت که در اسلام، وجود شکاف نسلی در برخی سطوح، تأیید شده است. البته باید در نظر داشت که اسلام، همه چیز را تابع مقتضیات زمانی نمی‌داند و بر این اساس، قوانین به دو دسته ثابت و متغیر تقسیم می‌شود. شهید مطهری در این باره گفته است: یکی دیگر از خصوصیات دین اسلام که اهمیت فراوانی دارد، این است که برای احتیاجات ثابت بشر، قوانین ثابت و برای احتیاجات متغیر وی، وضع متغیری در نظر گرفته است. برخی از نیازها، چه در زمینه فردی و شخصی و چه در زمینه‌های عمومی و اجتماعی، وضع ثابتی دارد و در همه زمان‌ها یکسان است. آن نظامی که بشر باید به غریز خود بدهد و آن نظامی که باید به اجتماع خود بدهد، از نظر اصول و کلیات، در همه زمان‌ها یکسان است... قسمتی دیگر از احتیاجات بشر، احتیاجات متغیر است و قوانین متغیر و ناثابتی را ایجاد می‌کند. اسلام درباره این احتیاجات متغیر، وضع متغیری در نظر گرفته است؛ از این راه که اوضاع متغیر را با اصول ثابتی مربوط کرده است و آن اصول ثابت در هر وضع متغیری قانون فرعی خاصی را به وجود می‌آورد. (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۱۸)

- جامعه‌پذیری، رسانه و شکاف نسلی

دانشمندان علوم اجتماعی، «اجتماعی شدن» را فرآیندی می‌دانند که در آن فرد شیوه‌های رفتاری، باورها، ارزش‌ها، الگوها و معیارهای فرهنگی خاص جامعه را یاد می‌گیرد و آنها را جزء شخصیت خود می‌سازد. بنیادی‌ترین بخش اجتماعی کردن در دوران کودکی روی می‌دهد اما این روند در سراسر عمر آدمی ادامه می‌یابد. اجتماعی کردن دارای دو نقش اساسی است:

اول - از نظر فردی، استعدادهای بالقوه فرد را شکوفا می‌کند و امکانات رشد شخصیت و تبدیل فرد به شخصی اجتماعی را فراهم می‌آورد؛

دوم - از نظر اجتماعی، فرآیندی است برای انتقال ویژگی‌های فرهنگی یک جامعه از نسلی به نسل دیگر و فراهم آوردن امکان تعامل و استمرار فرهنگ و نیز تربیت افراد برای ایفای نقش‌ها و به دست آوردن پایگاه‌های مختلف اجتماعی. (فنادان و همکاران، ۱۳۷۵: ۹۴)

جامعه‌شناسان دو عامل اجتماعی کردن را از یکدیگر متمایز کرده‌اند:

الف) اجتماعی کردن نخست که خانواده و گروه‌های هم‌سالان را دربرمی‌گیرد؛

ب) اجتماعی کردن دوم که شامل مدرسه و رسانه‌هاست. (همان: ۱۰۳ و ۱۲۰) رسانه‌های همگانی یکی از عوامل بسیار مهم اجتماعی کردن هستند. روزنامه‌ها، نشریات ادواری، مجلات، به ویژه تلویزیون و رسانه‌های نوین ماهواره‌ای و الکترونیک و دیجیتالی، هر روزه مورد استفاده وسیع گروه‌های مختلف اجتماعی، از جمله کودکان، نوجوانان و جوانان قرار می‌گیرند و نگرش و عقاید آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در تحقیقات فراوان، تأثیر برنامه‌های رسانه‌ای بر نگرش‌های کودکان و بزرگسالان، تحلیل شده است. اگرچه هنوز نتیجه بیشتر این تحقیقات قطعی نیست، نمی‌توان انکار کرد که رسانه‌های جمعی انواع گوناگونی از اطلاعات و محتوا (به ویژه هنجارها و ارزش‌ها) را انتقال می‌دهند. (گیدنز، ۱۳۷۷: ۸۸)

رسانه‌ها به عنوان فراهم‌کنندگان چارچوب‌های تجربه برای مخاطبان، نگرش‌های کلی فرهنگی برای تفسیر اطلاعات را در جوامع امروزی برای افراد ایجاد می‌کنند. هم‌چنین رسانه‌ها شیوه‌های زندگی اجتماعی افراد را تفسیر می‌کنند و به آن واکنش نشان می‌دهند و آنها را با کمک نظم دادن به تجربه‌شان از زندگی اجتماعی، قالب‌ریزی می‌کنند. (همان: ۴۷۹) بنابراین، در جریان جامعه‌پذیری کودکان، نوجوانان و جوانان، رسانه‌ها نقشی اساسی دارند. دنیس مک کوئیل، ارتباط جمعی را فرآیندی جامعه‌گستر و رسانه‌ها را میانجی روابط اجتماعی می‌داند.

وی معتقد است، همان‌طور که از واژه «media» یا رسانه برمی‌آید، رسانه‌های جمعی از چند لحاظ میانجی هستند. یکی اینکه بیشتر اوقات میان ما به عنوان دریافت‌کننده و آن بخش از تجربه بالقوه‌ای که خارج از ادراک یا تماس مستقیم ماست، قرار می‌گیرند؛ دوم، ممکن است میان ما و دیگر نهادهایی که با آنها سر و کار داریم (قانون، صنعت، دولت و غیره) قرار گیرند؛ سوم، امکان دارد پیوندی میان این نهادهای گوناگون ایجاد کنند؛ چهارم، رسانه‌ها مجراهایی هستند که از طریق آنها دیگران با ما و ما با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم؛ و پنجم اینکه غالباً رسانه‌ها با فراهم آوردن اسباب و لوازم، به ادراک ما از دیگر گروه‌ها، سازمان‌ها و رویدادها شکل می‌دهند. (مک کوئیل، ۱۳۸۲: ۸۳)

به نظر مک کوئیل، «نهاد رسانه به کار تولید، بازتولید و توزیع معرفت به معنای وسیع آن، یعنی نمادهایی یا مرجع‌هایی معنی‌دار و قابل تجربه در جهان اجتماعی اشتغال دارد. این معرفت، ما را توانا می‌سازد تا به تجربه خود معنا ببخشیم؛ به دریافت‌های ما از این تجربه نظم و نسق می‌دهد و ما را یاری می‌کند تا معرفت‌های گذشته را محفوظ نگه داریم و به درک امروزی خود استمرار بخشیم». (همان: ۸۱ و ۸۲) از آنجا که درک صحیح از ارزش‌های انسجام اجتماعی در جلوگیری از شکاف نسلی مؤثر است، رسانه‌ها با آموزش و تأکید بر ارزش‌های ملی، بر ثبات و وفاق و دوری از شکاف نسلی اثرگذارند.

مفهوم شکاف نسلی به چگونگی تداوم فرهنگی یک جامعه از نسلی به نسل دیگر مربوط می‌شود. اگر در فرآیند اجتماعی کردن کودکان، نوجوانان و جوانان، فرهنگ جامعه تا حد مطلوبی از نسلی به نسل دیگر منتقل شود و بازتولید فرهنگی به بهترین شکل صورت پذیرد، میزان اشتراک فرهنگی دو نسل بالا می‌رود. در نتیجه، اختلاف چشم‌گیری میان دو نسل به وجود نمی‌آید و بین دو نسل جدید و قدیم تفاهم برقرار می‌شود. نسل جدید نیز دچار بحران هویت نمی‌شود.

در مقابل، اگر فرآیند اجتماعی کردن به علل داخلی و خارجی، ناقص صورت گیرد و فرهنگ جامعه در حد مطلوبی به نسل بعد منتقل نشود، تداوم فرهنگی جامعه دچار مشکل می‌شود و بین نسل جدید و قدیم شکاف می‌افتد. (پناهی، ۱۳۸۳: ۲) البته عوامل اجتماعی متعددی بر دور شدن نسل‌ها از یکدیگر و بروز شکاف نسلی اثرگذار هستند که در این میان، وسایل ارتباط جمعی نقش بارزی دارند.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر روش پیمایشی است. هرچند عمدتاً از پرسشنامه استفاده می‌شود اما فنون دیگری از قبیل مصاحبه ساختمند و مصاحبه ساختمند، مشاهده تحلیل و جزاینها هم به کار می‌روند. ویژگی بارز پیمایش عبارتند از: شیوه گردآوری داده‌ها و روش تحلیل آنها.

یکی از ابزارهای مهم این روش مصاحبه می باشد که یک گونه از روش کیفی می باشد و چون ابزار پرسشنامه در ارائه اطلاعات این تحقیق، روش قابل توجهی نیست و هدف تحقیق این است که از روش مصاحبه استفاده کنیم. بنابراین ما در این تحقیق برای بدست آوردن اطلاعات از ابزار مصاحبه استفاده کردیم.

ما در این تحقیق برای بررسی شکاف نسلی از دو گونه استفاده کردیم: ۱- از چهارچوب نظری از روش کتابخانه ای استفاده کردیم. ۲- برای بدست آوردن اطلاعات از روش پیمایشی استفاده کردیم.

افراد نمونه در تحقیق

افراد نمونه مورد نظر ما در این تحقیق، براساس سوال تحقیق انتخاب شده است. ما در این تحقیق از ۳ نسل که نسل اول متولدین سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ می باشند و نسل دوره که همان میانسالان، متولدین سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰ می باشند و نسل که همان جوانان هستند.

سوالات

نحوه پرسش سوال در بین ۳ نسل متفاوت بوده است. بیشترین سوالاتی که از این نسل اول شده است در مورد قدیم در تفاوت با دوران کنونی بوده است. این نسل بیشتر به دوران قدیم توجه می کند و از این دوران کنونی بیزار است. و حتی در برخی از سوالات که پرسیده شده است که چقدر به مسائل سیاسی اهمیت می دهید او در جواب می گوید که من کاری به کار این گونه مسائل ندارم.

بیشترین سوالاتی که از نسل دوم شده در مورد دوران کنونی است و ما در این تحقیق سعی شده است که افکار و اندیشه های نسل جوان در تفاوت با نسل اول بیشتر توجه شود. من در این تحقیق به خاطر شرایط اجتماعی و فرهنگی به تفاوت جوانان در برابر پیران بیشتر اهمیت قائل شده ام.

سوالاتی که بیشتر از ۳ نسل پرسیده شده است در حوزه های زیر می باشد:

الف) حوزه فرهنگی

۱- چگونگی گذران اوقات فراغت در قدیم و در حال حاضر

۲- گوش دادن آهنگ

۳- دیدن فیلم

ب) حوزه دین

۱- چقدر به دنیا و آخرت و نماز و روزه اعتقاد دارید؟

۲- چقدر مسائل شرعی را پیگیری می کنید؟

۳- چقدر به مسجد می روید؟

۴- آیا دین در جامعه ایران اهمیت دارد؟

۵- در زمانهای قدیم چقدر دین اهمیت داشت؟

ج) حوزه اجتماعی

۱- چقدر به مقررات اجتماعی را رعایت می کردید؟

۲- چقدر به والدین خود احترام می گذاشتید؟

۳- جوانان قدیم را چگونه ارزیابی می کنید و جوانان حالا را چگونه ارزیابی می کنید؟ (نسل اول)

۴- سبک لباس خودتان در قدیم چگونه بوده است؟

۵- وضعیت ازدواج در قدیم چگونه، و در حال حاضر چگونه است؟ (نسل اول)

پ) حوزه سیاسی

۱- چقدر به مسائل سیاسی اهمیت می دهید؟

نسل اول

در این نسل از فرد ۳۷ ساله سوال شده است که مشخصات ظاهری آن فردی متاهل و دارای تحصیلات لیسانس است. او در حال حاضر ساکن شهر بندرعباس می باشد. شغل او آزاد (مکانیک خودرو) است که آن چندسالی است که در این حرفه مشغول به کار است. در این نسل به دلیل این که بتوان به تفاوت های بهتر در این دوران (قدیم) و دروان کنونی پرداخته شود از تعدادی از افراد در رده سنی ۲۷ تا ۳۷ ساله مصاحبه شده است. که این فرد ۳۷ ساله به عنوان نمونه انتخاب شده است.

نسل دوم

در این نسل از جوان ۱۷ ساله سوال شده است که مشخصات ظاهری آن فردی مجرد و دارای تحصیلات سوم دبیرستان است. من در این تحقیق به این نسل خیلی اهمیت داده ام زیرا که این در جامعه ما مشکلات خاص خودش را دارد و بعد اینکه این نسل به دلیل افزایش تغییرات اجتماعی و تغییر ارزشهای فرهنگی در جامعه ایران در دوران بعد از جنگ بیشتر اهمیت داده شده است.

حوزه فرهنگی

نسل اول

- سوال: چگو نگی گذران اوقات فراغت در قدیم؟

او می گوید: عروسها در قدیم به مدت ۲ شب طول می کشید و جوانان مشغول به رقصیدن بودند. او می گوید که جوانان در قدیم فراغت خوبی را می گذراندند. یا مثلا شبها به تفریح در خانه ای جمع می شدیم و بازی هایی مانند شطرنج و تخته نرد می کردیم و همچنین مشغول دیدن فیلم های خارجی و ایرانی می شدیم و هم با یکدیگر مشغول به صحبت کردن و خندیدن مشغول می شدیم که در این بین گاهی صحبت ها به درد دل نیز ختم می شد و این گونه فراغت خودمان را می گذراندیم. " فراغت جوانان در قدیم عبارت از بازی، شب نشینی، شرکت در مراسم عروسی عنوان می کند. "

- سوال: فراغت جوانان در حال حاضر چگونه می باشد؟

او می گوید " که فراغت جوانان در حال حاضر بیشتر به وب گردی در فضاهای مجازی می پردازند. و در نهایت وقت خود را در فضاهای مجازی و شبکه های اجتماعی و همچنین بازی های یارانه ای سپری می کنند ما هرچه به جوانان می گویم که اینقدر با گوشی خود بازی نکن او حرف ما را گوش نمی دهد و این رفتار به گونه ای است که ما احساس مس کنیم حتی صدای ما را هم نمی شنوند. "

- سوال: چه فیلم های بیشتر دوست دارید؟

او می گوید: " در حال حاضر بیشتر دوست دارم فیلم های رومانتیک و تاریخی و فلسفی و کلاسیک که درباره تاریخ و گذشته ایران و غیره که باشد ببینم. فیلمهای ایرانی را نمی بینم چون همه اش غم انگیز است. "

- سوال: چه آهنگ های بیشتر دوست دارید؟

او می گوید: " که آهنگ های که بیشتر گوش می دهم، آهنگهای خوانندگان کلاسیک و پاپ مانند شجریان، بنان، علیرضا افتخاری، محمد اصفهانی و... را گوش می دهم. "

نسل دوم

سوال: چگو نگی گذران اوقات فراغت در حال حاضر؟

او می گوید: " فراغت خود را پشت کامپیوتر نشستن در خانه، چت کردن با جنس مخالف در فضاهای مجازی و شبکه های اجتماعی مانند فیس بوک، تلگرام، واتس آپ و اینستاگرام می گذرانم. و اگر قرار باشد وقت خود را در خارج از خانه سپری کنم قطعاً وقت خود را با جنس مخالف خواهم گذرانم. "

سوال: بیشتر چه فیلمها می بینی؟

او می گوید: " بیشتر دوست دارم فیلمهای تخیلی، جنگی و فضایی را به تماشا بنشینم. "

سوال: بیشتر چه آهنگهای گوش می دهی؟

" بیشتر آهنگهای شاد و رپ، گوش می دهم "

سوال: درباره اینکه دوست داری فراغت جمعی باشد یا فردی؟

"بیشتر دوست دارم اوقات فراغت خود را فردی و گاهی هم جمعی البته با جنس مخالف باشد."

تحلیل و ارائه نتایج بین دو نسل در حوزه فرهنگی

در تحلیل حوزه های فرهنگی می توان گفت بدلیل گسترده نبودن رسانه های جمعی در گذشته و نبود تکنولوژی روز مانند گوشی ها، تبلت ها، اینترنت و... در بین افراد را می توان از عوامل تفاوت نسل قدیم با نسل جدید دانست. با مشاهده از اطلاعات فوق می توان دید که بیشتر نسل قدیم آهنگهای غم انگیز و کلاسیک گوش می کنند. و جوانان دوست دارند که آهنگهای شاد و رپ گوش بدهند.

دو تفاوت بین دو نسل در این حوزه وجود دارد: اول از همه اینکه فراغت در دوران گذشته جمعی بوده است. و با بیان اینکه فراغت در بین جوانان در گذشته بیشتر جنبه خویشاوندی دارد. از طرف دیگر اینکه فراغت در دوران گذشته همراه با درد دل های دوستانه و صمیمانه بوده است ولی در حال حاضر در بین جوانان، اولاً جنبه فردی داشته است و از طرف دیگر همراه با درد دل نبوده است و بیشتر روابط بر اساس منافع فردی افراد است. در اینجا می توان گفت که ارزشهای فرهنگی جوانان خیلی متفاوت از جوانان قدیم است.

با توجه به فرضیه مورد نظر در تحقیق که عبارت بوده است آیا بین نسل قدیم (اول) و نسل جدید (دوم) تضاد وجود دارد یا خیر؟ با توجه به اطلاعات موجود در این تحقیق در حوزه فرهنگی می توان گفت که، و تضاد بین دو نسل وجود ندارد. ولی می توان گفت که بین دو نسل تفاوت های براساس تغییر شرایط فرهنگی و اجتماعی وجود دارد.

(ب) حوزه دین

نسل اول

سوال: چقدر به دنیا و آخرت و نماز و روزه اعتقاد دارید؟

او می گوید: انسان باید به خدا متکی باشد، غیبت نکند، دروغ نگوید، وجدان اخلاقی را رعایت کند، عبادت کند، اگر وضع مالی خوبی دارد دست نیازمندان را بگیرد برای پیشرفت دوستان صمیمی اش تلاش کند.

سوال: چقدر مسائل شرعی را پیگیری می کنید؟

او می گوید: که من در حد متوسط مسائل شرعی خودم را با استفاده از مراجع تقلید و همچنین وجدان اخلاقی خودم پیگیری می کنم. و مرجع تقلید من آیت ا... مکارم شیرازی می باشد.

سوال: چقدر به دین و حوزه دینی خودت در جامعه اهمیت می دهید یا اینکه باید دین در جامعه ایران وجود داشته باشد یا خیر؟

او می گوید: که اگر دین در جامعه نباشد اصلاً ارزشی ندارد و دین باعث همبستگی در اجتماع خواهد شد و اینکه نماز و روزه باعث تقویت اخلاقیات در بین افراد است.

سوال: چقدر در گذشته به مسجد می رفتی؟

او می گوید: که من در سن ۱۰ ساله که بودم همیشه و هر روز به مسجد می رفتم و نماز خودم را ترک نمی کردم. ما در قدیم همراه با دوستان خودمان به مسجد می رفتیم و بیشتر وقتی که مراسم محرم و صفر بود بیشتر با عشق و علاقه به مسجد می رفتیم.

نسل دوم

سوال: چقدر به دنیا و آخرت و نماز و روزه اعتقاد دارید؟

او می گوید: که در این باره که به دین و عقاید دینی اعتقاد دزیدی ندارم. زیرا مسائل دینی من را محدود می کند.

سوال: چقدر مسائل شرعی را پیگیری می کنید؟

او می گوید: که من مسائل شرعی را پی گیری نمی کنم و اعتقادی به آنها ندارم.

سوال: چقدر به مسجد می روی؟

او می گوید: اصلا به مسجد نمی روم.

سوال: باید دین در جامعه ایران وجود داشته باشد یا خیر؟

او می گوید: که دین باعث می شود ما به کارهای خلاف دست نزنیم و ما را محدود می کند.

تحلیل و ارائه نتایج بین دو نسل در حوزه دین

با توجه به اطلاعات فوق می توان گفت که در نسل جوان، با توجه به پیش فرضی که قبلا وجود داشت نسل جوان کمتر به خدا و قیامت اعتقاد دارند، ولی با توجه به این اطلاعات دیده می شود که بین نسل جوانان این نکته وجود ندارد. ولی دیده می شود که نسل جوانان در تفاوت با نسل جوانان قدیم کمتر به مسجد می روند و یا اینکه نسل جوان کمتر مسائل شرعی را پیگیری می کنند. و این در نسل اول بیشتر داده می شود. و هر دو نسل در مورد اعتقادات دینی، هم اندیشه نیستند و حتی جوانان در مورد اینکه باید دین در جامعه وجود داشته باشد، جواب منفی داده اند و آنها دین را به عنوان محدود کننده انسانها می دانند.

در این حوزه بین دو نسل را می توان گفت که بین دونسل تضاد معناداری وجود ندارد. پس می توان گفت که فرضیه ما در این حوزه رد می شود.

(ج) حوزه اجتماعی

نسل اول

سوال: چقدر به والدین خود احترام می گذاشتید؟

او می گوید که من به والدین خودم خیلی احترام می گذاشتم. مثلا در آن زمان وقتی که به خانه می آمدم و به پدر مادرم که سلام می کردم و تا زمانی که آنها غذا نمی خوردند ما نیز غذا نمی خوردیم و او می گوید در زمان ما ازدواج کاملا سنتی بود و والدین به خواستگاری می رفتند و با انتخاب نهایی آنها ازدواج صورت می گرفت.

سوال: چقدر در زمان قدیم به بزرگترهای خودت (مادربزرگ و پدر بزرگ) احترام می گذاشتی؟

او می گوید ما به بزرگترهای خودمان خیلی احترام می گذاشتم در زمان ما احترام به بزرگترها خیلی با ارزش بود.

سوال: جوانان قدیم را چگونه ارزیابی می کنید و جوانان حالا را چگونه ارزیابی می کنید؟

او می گوید که قیافه، غیرت تلاش کوشش برای رسیدن به هدف و... همه چیز آنان خیلی خوب بود و با اینکه جوانان در گذشته به والدین خودشان و به بزرگترها احترام می گذاشتند و با وجود این که والدین سواد درست و حسابی نداشتند ولی تربیت نسل دهه ۶۰ خیلی عالی بود.

ولی جوانان امروزی اصلا به والدین خودشان احترام نمی گذارند و بیشتر کسانی که تحصیلات عالی داشته باشند با فرهنگ و تربیت خوبی دارند ولی در اصل جوانان امروزی نه غیرت دارن دو نه اهل کار و زندگی هستند. او می گوید که اگر جوانان امروزی ۵۰ میلیون تومان هم کمک کنی نمی توانند آن را خرج کنند و یا اگر خرج می کنند در راه بیهوده آن را مصرف می کنند. او می گوید که جوانان امروزی را افراد بدرد نخور در جامعه عنوان می کند. حالا بچه ۱۰ ساله دارد سیگار می کشد و رای خودشان هستند و هر کس روی رای جوانا صحبتی بکند او را دوست می دارند و اگر کس برخلاف رای جوانان صحبت کند آنها را دوست ندارند. در این زمان خیلی وضع خراب شده است دیگر نمی توان با جوانان صحبت کرد.

سوال: سبک لباس خودتان در قدیم چگونه بوده است؟

اومی گوید که لباسی که ما در گذشته می پوشیدیم بیشتر در رنگها متناسب با موقعیت هایی که در آن قرار می گرفتیم بوده است. طرز پوشیدن لباس ما در گذشته ساده و معمولی بوده است و من دوست نداشتم که خیلی آرایش صورتی کنم و یا اینکه به خودم خیلی برسیم.

سوال: وضعیت ازدواج در قدیم چگونه، و در حال حاضر چگونه است؟

او می گوید در قدیم اولاً والدین دختر را انتخاب می کردند یا این که جوان دختری را به خانواده معرفی می کرد که به نحوی با آن همکار بوده یا در محیط دانشگاه با او آشنا می شدند.

ولی جوانان در حال حاضر یک روز انتخاب می کنند و روز بعد بدون اطلاع والدین با هم ازدواج می کنند و دیگر بحرف پدر و مادر خودشان نیستند و اگر پدر و مادرشان صحبتی بکنند به او می گویند با بی ادبی تو فضول نباش یا اینکه می گویند که مگه تو می خواهی با آن زندگی کنی و یا این که حتی گاهی اوقات جوانان بدون ازدواج با همدیگر در خانه ای جداگانه به زندگی خود ادامه می دهند و هر گاه از هم خسته شدند به راحتی از هم جدا می شوند یا اینکه در گذشته طلاق بسیار امر ناپسند و نکوهیده ای بود در صورتی که امروزه حتی برای جدا شدن جشن می گیرند.

نسل دوم

سوال: چقدر به والدین خود احترام می گذاشتید؟

او می گوید که من به پدر و مادر خودم احترام می گذارم به آنها سلام می کنم و آنها را دوست دارم.

سوال: از او پرسیدم که پیران در جامعه چگونه می باشند؟

او می گوید که پیران در جامعه سربار هستند و فقط در کارهای ما سنگ اندازی می کنند و این که ما جوانان را درک نمی کنند و حرف ما را نمی فهمند.

سوال: آیا دوستان شما به پیران احترام می گذارند یا خیر؟

او می گوید که دوستان من تا ۱۰ درصد به پیران احترام می گذارد بعضی وقتها دیده ام که دوستانم به پیران سلام نمی کنند.

سوال: سبک لباس خودتان چگونه است؟

او می گوید که سبک لباس من به روز و طبق آخرین مد ترکیه و اروپا است.

سوال: چرا دوستداری شلوار لی پا کنی؟

او می گوید که بخاطر مد است که من لباس لی را می پوشم.

سوال: جوانان قدیم را چگونه می بینید؟

او می گوید که جوانان قدیم افرادی دمه و از لحاظ فکری بسیار ضعیف و حتی در سطح پایین عنوان می کند.

سوال: چقدر آداب و رسومات اجتماعی را بی گیری می کنید؟

او می گوید که من به آداب و رسومات اعتقادی ندارم و به هیچ عنوان به آنها عمل نمی کنم.

تحلیل و ارائه نتایج بین دو نسل در حوزه اجتماعی

با توجه به مشاهده اطلاعات فوق می توان دید که نسل اول نسبت به جوانان بدبین هستن چرا که آنان را لا ابالی و ولگرد معرفی می کنند و نسل دوم نسل اول، را از لحاظ فکری بسیار پایین تر از خودشان معرفی می کنند. و دلیل اصلی این اتفاق را می توان در بی احترامی جوانان نسبت به بزرگترها می باشد. در بیشتر جوانان نسبت به خانواده های خودشان وابسته هستند و در گذشته این طور بوده است و هنوز این تغییر نکرده است. در قدیم جوانان برای ازدواج از والدین خودشان اجازه می گرفتند و والدین در قدیم نسبت به فرزندان خودشان مسؤولیتی بیشتری داشتند ولی در حال حاضر جوانان بی اعتنا به خانواده دختر مورد نظر خودشان را انتخاب می کنند و بعد برای خواستگاری، از والدین خودشان کمک می گرفتند.

ولی با توجه به همه این اطلاعات و مشاهداتی در بین افراد شده است این بی احترامی جوانان به بزرگترها و یا والدین خودشان ناشی از تفاوتها بین دو نسل خواهد بود. چون جوانان هنوز به نسل قبلی نیاز دارند و نمی توان گفت که بین دو نسل تضاد وجود دارد. بلکه تفاوت زیادی در بین دو نسل به وجود آمده است.

پس فرضیه مورد نظر ما در این حوزه بین دو نسل رد می شود و رابطه معناداری وجود ندارد.

نتیجه گیری

در باره این تحقیق که با فرض اینکه آیا بین نسل اول و نسل دوم تضاد وجود دارد یا خیر؟ این گزارش شروع شده است. و همانطور که در مقدمه تحقیق گفته شده است جوانان در ایران با کشورهای غربی تاحدی متفاوت می باشند. ولی در حاضر می توان گفت که بین دو نسل شکاف بیشتر وجود دارد.

یکی از شکافها و تفاوتها بین این نسل (جدید) با نسل قدیم عبارت از اینکه:

۱- احترام جوانان نسبت به قدیم می باشد. چون اول که در قدیم به عنوان نسل دوم شناخته می شده است هیچگونه بی احترامی و بی حرمتی نسبت به بزرگترهای خودشان نداشته اند و در حال حاضر دیده می شود که جوانان نسبت به پیران خود اصلا سلام هم نمی کنند.

۲- دومین تفاوت در بین دو نسل می توان در اوقات فراغت آنان دانست. شاید بتوان گفت که جوانان در قدیم فراغت آنان همراه با درد دل و منافع جمعی بوده است ولی در حال حاضر این فراغت تبدیل به یک زمان معین شده است. یا به عبارت دیگر می توان گفت که در قدیم زمان به عنوان فراغت وجود نداشته است و همیشه به عنوان کار بوده است.

۳- سومین مسئله در تفاوت نسل قدیم با نسل جدید عبارت از اینکه بیکاری در آن زمان معنای خاصی نداشته است و بیشتر جوانان به دنبال کسب مهارت و شغل برای تامین آینده خود بودند ولی در حال حاضر با توجه به تغییرات فرهنگی در جامعه می توان گفت که بیشتر جوانان در حال تحصیل می باشند و اگر کسی تحصیلات نداشته باشد زشت و بی فرهنگ به حساب می آید. و از طرف دیگر ناگفته نماند که در قدیم کار بیشتر بوده است ولی در حال حاضر این کار بدلیل پیشرفت های صنعتی در جامعه کمتر شده است. و بیکاری در بین جوانان در حال افزایش است.

۴- چهارمین تفاوت در ارتباط با مورد اول در در نتیجه گیری باشد که اینکه ازدواج جوانان به شیوه معمول حالا نبوده است و بیشتر جنبه خانوادگی و جمعی داشته است ولی در حال حاضر دیده شده است که ازدواج به جای اینکه مهرو محبت در خانواده بوجود بیاورد بیشتر نقش فردی در خود پیش گرفته است. و از طرف دیگر می توان گفت که سن ازدواج بدلیل کمبود در آمد در بین جوانان افزایش پیدا کرده است.

ولی با این حال می توان گفت که با توجه به تغییرات گسترده، بالا رفتن سطح تحصیلات در بین جوانان، نبود آینده نگری در بین آنان، بالا رفتن سطح توقعات و انتظارات در بین نسل گذشته، این شکافها به طور روزمره در حال افزایش است.

ولی با این حال می توان به سخن اینگلهارت توجه کرد که در قدیم بیشتر ارزشهای مادی برای جوانان اهمیت داشته است و چون ارزشهای مادی اهمیت داشته است جوانان بیشتر به پدران و مادران خودشان احترام می گذاشتند و همیشه به دنبال کار بوده اند. و چون در جامعه ما رفاه حال افراد در جامعه بیشتر شده است به همین خاطر جوانان بیشتر فردی شده اند تا جمعی.

در نهایت نظرم این است که بین نسل قدیم و نسل جدید رویکرد تضادی وجود دارد. با توجه با اینکه قبلا تکرار شده است بیشتر جنبه تفاوت را داراست و این مسئله به زودی برای نسل جدید بحران ایجاد خواهد کرد.

منابع

- 1379. تجدد و تشخص. ترجمه: ناصر موفقیان. تهران: نی.
- آزاد ارمکی، تقی، غفاری. جامعه شناسی نسلی در ایران. انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳
- آزاد ارمکی، تقی. ۱۳۸۳. رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی، مسائل اجتماعی ایران. انجمن جامعه‌شناسی ایران. تهران: نشر آگه.
- اسپاک، بنجامین. ۱۳۶۴. پرورش فرزند در عصر دشوار ما. ترجمه: هوشنگ ابرامی. تهران: نشر صفی علیشاه.
- پناهی، محمدحسین. ۱۳۸۳. «شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن». فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی. شماره ۱۷.

- چلبی، مسعود. ۱۳۷۵. جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی). تهران: نشر نی.
- دادگران، سیدمحمد. ۱۳۸۴. مبانی ارتباط جمعی. تهران: نشر مروارید و فیروزه.
- رابرتسون، یان. ۱۳۷۴. درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی. ستیز و کنش متقابل نمادی). ترجمه: حسین بهروان. مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- روشه، گی. ۱۳۶۶. تغییرات اجتماعی. ترجمه: منصور وثوقی. تهران: نشر نی.
- ساعی، منصور. در پایگاه اینترنتی <http://msaei.Blogfa.com> بازبایی در ۱۳۹۱/۲/۶
- سگالین، مارتین. جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه: حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز.
- سید علی موسوی میرکلانی/کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی
- شفرز، برنهارد. ۱۳۸۳. مبانی جامعه‌شناسی جوانان. ترجمه: کرامت‌الله راسخ. تهران: نشر نی.
- شهبایی، محمود، جهانی شدن جوانی، مطالعات جوانان، سال اول، ۱۳۸۲، شماره ۵
- طبرسی، ابوعلی. ۱۳۸۰. مجمع‌البیان. (ج ۲۹) ترجمه: علی کرمی.
- فرقانی، محمدمهدی. ۱۳۸۰. ارتباطات و توسعه، چهارده نظریه‌پردازی و امروز رسانه. سال دوازدهم. شماره دوم. نشر مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فرید تنکابنی، مرتضی. ۱۳۷۷. الحدیث. تهران: فرهنگ اسلامی.
- فصلنامه رسانه و خانواده شماره
- قبادی، خسرو. ۱۳۸۲. گسست پارادایمی بین نخبگان فکر ایران: گسست نسل‌ها. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- قرآن کریم.
- قنادان، منصور و همکاران. ۱۳۷۵. جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی. تهران: نشر آوای نور.
- گیدنز، آنتونی. ۱۳۷۷. جامعه‌شناسی. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۸. مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- مک کوئیل، دنیس. ۱۳۸۲. درآمدی بر نظریه‌های ارتباطات جمعی. ترجمه: پرویز اجلالی. تهران: نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- منصورنژاد، محمد. ۱۳۸۲. شکاف و گفت‌وگوی نسل‌ها با تأکید بر ایران. با اهتمام: علی‌اکبر علیخانی. تهران: نشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- مهدی‌زاده، سید محمد. ۱۳۸۰. نظریه‌های ارتباطات جمعی. تهران: جزوه درسی دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی.
- نیک‌گوهر، عبدالحسین. ۱۳۸۳. مبانی جامعه‌شناسی. تهران: نشر توتیا. ۲۲. یوسفی، نریمان. ۱۳۸۳. شکاف بین نسل‌ها - بررسی نظری و تجربی. تهران: نشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- یوسفی، نریمان. ۱۳۸۳. شکاف بین نسل‌ها - بررسی نظری و تجربی. تهران: نشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.